

به مناسبت اول ماه می روز انترناسیونالیسم پرولتری

تجلیل از اول ماه می گرامیداشت از مبارزات انقلابی پرولتاریای جهان بوده و تجدید تعهد و وفاداری بر اصل انترناسیونالیسم پرولتری و استحکام بیشتر آن است. میلیونها تن از کارگران و کمونیستهای انقلابی و سایر نیروهای ضدامپریالیسم و ضدارتجاع در سراسر جهان همه ساله این روز را با تشکیل اجتماعات و تظاهرات برگزار کرده و بر ضرورت همبستگی پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان در مبارزه متحد علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و دیگر طبقات استثمارگروستمرگرتأکید می نمایند. مبارزات طبقه کارگر جهان علیه استثمار وستم سرمایه داری جهانی و امپریالیسم تاریخ طولانی دارد. این مبارزات در اشکال ابتدائی آن محدود به خواستههای اقتصادی و تقلیل ساعات کار از جانب کارگران بود. و نمونه ای سازمانیافته این مبارزات، تشکیل انجمن کارگران لندن و طرح برنامه "منشور خلق" در سال 1836 میلادی بود که جنبش کارگری چارست ها برای مبارزه بر ضد غارت و تجاوز استعماری قیام کردند و بعد تظاهراتی بر ضد تجاوز استعماری قدرتهای سلطه گر در آسیا و افریقا تشکیل دادند. ظهور مارکسیسم بر مبارزات کارگران تأثیر گذاشته و کیفیت انقلابی آن را ارتقا داد. مارکس و انگلس "اتحادیه کمونیستها" را تشکیل کرده و "مانیفست کمونیست" را در سال 1847 انتشار داده و شعار "کارگران جهان متحد شوید" را اعلام کردند. این شعار اساس انترناسیونالیسم پرولتری بوده و مفهوم واقعی آن همبستگی پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان در مبارزه مشترک علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع در سراسر جهان است. کارگران جهان به لحاظ موقعیت اجتماعی و منافع طبقاتی سرنوشت مشترک دارند و این سرنوشت مشترک آنها را در همبستگی و پیوند نزدیک با هم قرار میدهد. و ظهور سوسیالیسم علمی موجب تشکیل سازمانهای بین المللی طبقه پرولتاریا، بین الملل اول، بین الملل دوم و بین الملل سوم (کمینترن) گردید.

مارکس می گوید: " در بین طبقاتی که در برابر بورژوازی قرار دارند، تنها پرولتاریا یک طبقه واقعاً انقلابی است." طبقه پرولتاریا اگر آگاهی انقلابی طبقاتی اش را فراگیرد نه تنها رهائی خودش را از استثمار وستم سرمایه داری جهانی و امپریالیسم مدنظر دارد؛ بلکه هدف عالی و نهائی آن رهائی تمام زحمتکشان جهان و نجات کل بشریت از سلطه وستم سرمایه داری جهانی و ساختن جهانی فارغ از هر نوع استثمار وستم می باشد. پرولتاریا در مبارزه اش علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و دیگر طبقات استثمارگروستمرگرتاریخ باشکوهی دارد. تاریخ مبارزات انقلابی طبقه پرولتاریا این امر را با ثبات رسانده است که در بین تمام طبقات زحمتکش این طبقه یگانه طبقه پیکارجوی انقلابی است که مبارزه را تا پیروزی انقلاب ادامه می دهد. پیروزی انقلاب های پرولتری و تأسیس دیکتاتوریهای پرولتاریا و تشکیل جوامع سوسیالیستی در کشورهای روسیه و چین و آلبانی و پیروزی انقلابهای دموکراتیک توده ای در چندین کشور جهان و برپائی و تداوم انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی در چین در قرن بیستم از دست آوردهای بزرگ انقلابی پرولتاریا و کمونیستهای انقلابی جهان است. طبقه کارگر به لحاظ موقعیت اجتماعی فاقد هرگونه مایملک شخصی است. او برای ادامه حیاتش تنها متکی به نیروی کارش می باشد. ارزش اضافی نیروی کار کارگر منبع ثروت سرمایه دار است که بوسیله او غصب می گردد؛ لیکن خود کارگر به فقر و مسکنت گرفتار است. طبقه کارگر برای اینکه بتواند انقلاب پرولتری را به پیروزی رساند و حاکمیت طبقاتی، دیکتاتوری طبقاتی اش را برقرار کند و خود و سایر زحمتکشان را از استثمار وستم سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و دیگر طبقات استثمارگروستمرگرت نجات دهد؛ قبل از همه باید خود را با سلاح علم انقلاب پرولتری (مارکسیسم- لنینیسم- مائوئیسم) مجهز سازد. و بر همین مبنا است که میتواند حزب انقلابی اش را ایجاد کند. ستاد رهبری پرولتاریا، حزب کمونیست انقلابی با خط رهبری کننده مارکسیسم- لنینیسم- مائوئیسم می باشد. این حزب باید از آگاه ترین و با ایمان ترین انقلابیون کمونیست و پرولتاریای انقلابی ایجاد شود. تشکیل چنین ستادی در همه کشورهای جهان مستلزم مبارزه اصولی و انقلابی کمونیستها علیه انواع رویونیسم و اشکال اپورتونیسم در جنبشهای انقلابی پرولتری بوده

وبخشهای مختلف جنبشهای انقلابی پرولتری باید اختلافات ایدئولوژیک-سیاسی خود را بشیوه اصولی و بر مبنای دیالکتیک ماتریالیستی و بر اساس فورمول "مبارزه-وحدت-مبارزه" حل کنند. وحدت‌های میکانیکی بین بخشهای مختلف جنبش کمونیستی و یواحدت از طریق سازش، مصالحه، تفاهم و گذشت‌های متقابل خلاف اصول (م-ل-م) و شیوه ای لنینی در تشکیل حزب کمونیست انقلابی بوده و تجارب مبارزات انقلابی پرولتاریای در کشورهای جهان منجمله در افغانستان این را ثابت ساخته است که وحدت‌های میکانیکی بر تشنت و پراکندگی جنبش انقلابی پرولتری افزوده و آنرا تضعیف می نماید. و مبنای چنین وحدت‌های بدون هیچ تردیدی دیدگاه های انحرافی درباره ماهیت طبقاتی و خط رهبری کننده حزب کمونیست انقلابی بوده که منشأ در اپورتونیزم دارد. تجارب مبارزات انقلابی پرولتاریای جهان نشان میدهد که طبقه کارگر بگونه خود بخودی به آگاهی انقلابی دست نمی یابد. علم انقلاب پرولتری باید بوسیله ای روشنفکران کمونیست و پرولترهای آگاه انقلابی منحصبت بخش پیشرو طبقه پرولتاریا به پرولتاریا انتقال یابد؛ لیکن نیروی خلاق و تعیین کننده در پیشبرد امر مبارزه انقلابی خود طبقه پرولتاریاست که در اتحاد با سایر زحمتکشان مبارزه انقلابی را تحت رهبری ستاد انقلابی اش به پیش برده و این مبارزه را تا سرنگونی طبقات ارتجاعی داخلی و قطع کامل سلطه امپریالیسم و ایجاد دیکتاتوری طبقاتی اش و تشکیل جامعه سوسیالیستی ادامه می دهد. و نیز ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا از رسالت انقلابی پرولتاریا و کمونیستهای انقلابی تا رسیدن به جامعه بدون طبقه (کمونیسم) است.

بانگاهی کوتاه به تاریخ جنبش کمونیستی بین المللی و تجارب مبارزات انقلابی پرولتاریای جهان، نقش کمونیستها و پرولتاریای انقلابی در رهبری مبارزات انقلابی طبقه کارگر و پیروزی انقلابات پرولتری و ایجاد دیکتاتوریهای پرولتاریا و تأسیس جوامع سوسیالیستی خاصاً در قرن بیستم نهایت ارزنده و تعیین کننده بوده است؛ بلعکس نقش انواع رویزیونیسم و اشکال اپورتونیزم در شکست انقلابهای پرولتری و سرنگونی دیکتاتوریهای پرولتاریا و به گمراهی کشاندن طبقه کارگر نهایت خاینانه و تخریبکارانه بوده و برای همیشه محکوم تاریخ اند. رویزیونیستهای خروشچفی با تسلط بر حزب و دولت اتحاد شوروی سوسیالیستی بعد از وفات رفیق استالین در سال 1953، حزب کمونیست کشورشوراها را به حزب بورژوازی تغییر ماهیت داده و انقلاب پرولتری و نظام سوسیالیستی را در اتحاد شوروی منحصبت اولین پایگاه انقلاب جهانی منهدم کرده و به دولت سوسیال امپریالیستی مبدل کردند. نفوذ و رسوخ رویزیونیسم "مدرن" (رویزیونیسم خروشچفی) بر احزاب کمونیست بر سر قدرت در کشورهای اروپای شرقی دولتهای سوسیالیستی و دولتهای دموکراتیک توده ای را سرنگون کرده و به کشورهای سوسیال امپریالیستی مبدل ساختند. همچنین احزاب و سازمانهای کمونیست زیادی در کشورهای مختلف جهان به پیروی از رویزیونیستهای خروشچفی در منجلاب رویزیونیسم سقوط کرده و اثرات گمراه کننده ای بر جنبشهای انقلابی پرولتری و مبارزات طبقه کارگر در سراسر جهان وارد کردند. خلقهای ویتنام در هر دو بخش شمالی و جنوبی در نیمه دوم دهه (60) و نیمه اول دهه (70) میلادی در قرن بیستم در جنگ رهائی بخش ملی در شکست ارتش نیم میلیونی ابر قدرت امپریالیستی امریکا حماسه آفریدند و سه میلیون تن از خلقهای ویتنام برای استقلال و آزادی و رهائی از سلطه استعمار و امپریالیسم جانهای خود را فدا کردند؛ لیکن انحراف سنتریستی هوچی مین در رهبری حزب و دولت ویتنام شمالی و سقوط کامل حزب کمونیست این کشور در منجلاب رویزیونیسم "مدرن" همه دست آوردهای مبارزات آزادی خواهانه و مبارزات طبقاتی خلق ویتنام بوسیله رویزیونیستهای حاکم بر حزب و دولت ویتنام به نابودی کشانده شد. اما رفیق مائوتسه دون رهبری مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی علیه رویزیونیسم خروشچفی را در سطح بین المللی به پیش برده و ماهیت ایدئولوژیک-سیاسی و طبقاتی آنرا بگونه علمی و همه جانبه افشانمود. و برای جلوگیری از شکست انقلاب در چین توسط رویزیونیستها، عوامل سرمایه دارای در درون حزب و دولت چین، انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی را براه انداخته و انقلاب چین را برای یکدهه از شکست نجات داد. لیکن بعد از وفات رفیق مائوتسه دون در سال 1976 رویزیونیستهای «سه جهانی» بر رهبری دینگ سیائوپینگ مرتد و خاین بر حزب کمونیست و دولت مسلط شده و انقلاب چین دیکتاتوری پرولتاریا و دولت سوسیالیستی را سرنگون کرده و دست آوردهای انقلاب کبیر فرهنگی

پرولتاریائی رانابودساخته و چین را درجاده سرمایه داری قرارداد و آنرا به کشور سوسیال امپریالیستی مبدل کردند. و اکنون دولت سوسیال امپریالیستی چین ده ها میلیون تن از طبقه کارگرو سایر زحمتکشان چین را به شدت مورد استثمار و استثمار و استثمار کارگران و زسایر زحمتکشان در کشورهای جهان خاصاً در کشورهای تحت سلطه در آسیا، افریقا و امریکای لاتین در رقابت با سایر قدرتهای امپریالیستی قرارداد. به همین صورت بعد از سقوط انور خوجه در منجلا ب دگمار و ریز یونیس م در اخی رده ه هفتاد قرن بیستم، حزب کمونیست آلبانی به حزب ریز یونیس تی تغییر ماهیت داده و نظام سوسیالیستی را سرنگون کرده و ضربه ای شدید دیگری بر جنبش کمونیستی بین المللی وارد کرده و آنرا دچار بحران عمیقی نمود. اما تشکل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در اوایل سال 1984 با مبارزه اصولی علیه انواع ریز یونیس م توانست خط اصولی و انقلابی را بر مبنای (م-ل-ا و بعد م-ل-م) در جنبش کمونیستی بین المللی روشن ساخته و بر بحران جنبش کمونیستی بین المللی تا حد زیادی فایق آمد. در دهه هشتاد و نود قرن بیستم جنبشهای انقلابی پرولتاری در کشورهای پیرو نیپال رشد و تکامل قابل ملاحظه یافته و جنگ خلق تحت رهبری احزاب کمونیست (م-ل-م) در این دو کشور آغاز شده و طی یک دهه به پیشرفتهای مهمی دست یافتند. اما از آنجاییکه جنبش کمونیستی بین المللی همواره با دشمنان طبقاتی (سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و طبقات ارتجاعی فئودال و بورژوازی کمپرادور بوروکرات و انواع ریز یونیس م و اشکال اپورتونیس م) مواجه بوده و دیکتاتوری های پرولتاریا و جنبش کمونیستی بین المللی شدید ترین ضربات را خاصاً در قرن بیستم از جانب دشمنان نقابدار (ریز یونیس م و اپورتونیس م) دیده اند. بعد از دستگیری و حبس رفیق گونزالور هیر حزب کمونیست (م-ل-م) پیرو توسط دولت پیرو در اوایل دهه نود میلادی و سر بلند کردن خط انحرافی اپورتونیس تی بنام «آسومیر» و تسلیمی تعداد زیادی از اعضای زندانی این حزب به دولت پیرو، ضربت شدیدی بر حزب کمونیست پیرو و جنگ خلق وارد آمد. همچنین سقوط رهبری حزب کمونیست نیپال (مانوئیست) در رأس آن پراچندا مرتد و خاین در پرتگاه ریز یونیس م در سال 2005 انقلاب خلق نیپال و جنگ خلق به شکست کشانده شد. با ضربت خوردن انقلاب در پیرو و به شکست کشانیدن انقلاب در نیپال رهبری جنبش انقلابی انترناسیونالیستی دچار اپورتونیس م شده و این تشکل انقلابی بین المللی به شکست کشانده شده و ضربات شدیدی بر جنبش کمونیستی بین المللی و مبارزات انقلابی پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان وارد آمد. با سقوط جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در پرتگاه اپورتونیس م و سقوط رهبری حزب کمونیست انقلابی امریکا در منجلا ب ریز یونیس م باب آواکیانی، جنبش کمونیستی بین المللی دچار بحران عمیقی گردیده که تاکنون ادامه دارد. لیکن علی الرغم تمام توطئه ها و یاهه گوئیهای امپریالیسم و ارتجاع بین المللی مبنی بر «مرگ کمونیسم» و همچنین شکستهای پرولتاریای بین المللی به سبب خیانتهای انواع ریز یونیس م و اشکال اپورتونیس م و سرکوبهای ارتجاع و امپریالیسم در کشورهای مختلف و پیچ و خمهای که جنبشهای انقلابی پرولتاری از این نواحی به آن مواجه بوده اند؛ جنگ خلق در کشورهای در هشت ایالت (در بیش از شصت ضلع اداری) تحت رهبری حزب کمونیست (م-ل-م) هند ادامه دارد. جنگ خلق در کشور فلیپین تحت رهبری حزب کمونیست (م-ل-م) جریان داشته و به همین صورت جنگ خلق در پیرو و ترکیه (کردستان شمالی) تحت رهبری احزاب کمونیست (م-ل-م) این کشورها در سطح محدود تری جریان دارد.

در شرایط کنونی جنبش کمونیستی بین المللی دچار بحران عمیقی است و جنبشهای انقلابی پرولتاری و جنبشهای کارگری در سراسر جهان با تریخانت احزاب ریز یونیس تی و اپورتونیس تی، احزاب سوسیال دموکرات، «احزاب سوسیالیست کارگری» و «احزاب سوسیالیست» بانحراف کشانده شده و نفوذ ارس طوکراسی کارگری در اتحادیه های کارگری در کشورهای سرمایه داری جنبشهای کارگری را به انحراف کشانده و مبارزه آنها از مبارزه اقتصادی و از محدوده طرح خواستهای اقتصادی و رفاهی آنها تجاوز نمی کند. در حالیکه از اوایل دهه اول قرن بیست و یکم قدرتهای امپریالیستی به سرکردگی ابر قدرت امپریالیستی امریکا دور جدیدی از غارتگری و تهاجم نظامی بر خلقهای کشورهای تحت سلطه را آغاز کرده و با کشتار و حشیانه خلقهای افغانستان و عراق این دو کشور را اشغال نظامی کرده و به مستعمره کشیدند و کشور لیبی را در سال 2011 مورد تهاجم نظامی قرارداد و خلق آن را به خاک و خون کشیده و این کشور را در همه عرصه ها ویران کردند. همچنین تجاوزات و توطئه های قدرتهای امپریالیستی به

سرکردگی امپریالیسم امریکا علیه خلقها درکشورهای شرق میانه منجمله در سوریه و یمن و عراق ادامه داشته و همه روزه صدها تن از مردمان مظلوم این کشورها توسط ارتشهای متجاوز کشورهای امپریالیستی و گروه های ارتجاعی اسلامی جنایتکار و وحشی مزدور آنها و دولتهای این کشورها بخاک و خون کشیده می شوند.

طبقه کارگرو سایر زحمتکشان افغانستان تحت سلطه استعماری امپریالیسم امریکا و ناتو و دولت دست نشانده آنها به شدید ترین وجهی استثمار شده و از ستم چند لایه رنج کشیده و از بیکاری ممتد، عدم امنیت و مصئونیت شغلی، فقر و گرسنگی عذاب کشیده و از حقوق اجتماعی و سیاسی شان محروم اند و به اثر سیاه کاریها و خیانتهای رویزیونیستهای «سازمان رهائی- راوا- حزب همبستگی» و «سازمان انقلابی»، «ساما- ادامه دهندگان» و «سوسیالیستهای کارگری» و دیگر همپاله های آنها به گمراهی کشیده می شوند. صدها هزار تن از کارگران افغانستان طی سه و نیم دهه اخیر در شرایط آوارگی در کشورهای پاکستان و ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس و دیگر کشورها به شدت مورد استثمار و ستم سرمایه های این کشورها و سرمایه های امپریالیستی قرار گرفته و بابرخوردهای نهایت ظالمانه و غیر انسانی از طرف صاحبان کار و طبقات حاکم این کشورها مواجه هستند.

در اوضاع کنونی جهان استثمار و ستم همه جانبه از جانب سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و طبقات فئودال و بورژوازی بورکرات کمپرادور بر خلقها خاصاً در کشورهای تحت سلطه شدت یافته است. لیکن در ضعف و یا فقدان احزاب کمونیست انقلابی مبارزات طبقه کارگرو سایر زحمتکشان در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی توسط احزاب رویزیونیست و احزاب سوسیال دموکرات و «سوسیالیست» و ارسطوکرسی کارگری در رأس اتحادیه های کارگری به انحراف کشانده شده و در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم احزاب رویزیونیست و اپورتونیست رنگارنگ و احزاب ناسیونال شئونیست، جنبشها و مبارزات آزادی خواهانه و حق طلبانه توده های خلق را از مسیر اصلی آنها منحرف ساخته و یا توسط دولتها سرکوب می شوند. در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم در ضعف و یا نبود جنبشهای انقلابی پرولتری منجمله در کشورهای اسلامی زمینه برای نفوذ و وحشیگریهای گروه های ارتجاعی اسلامی با توطئه و تحریک قدرتهای امپریالیستی بیش از قبل مهیا شده است. با وجود بحران ساختاری شدیدی که از سال 2008 میلادی سرمایه داری جهانی و امپریالیسم رافرا گرفته و طی این مدت میلیونها کارگر شغلهای شان را در کشورهای سرمایه داری و سایر کشورها از دست داده و در شرایط فقر و تنگدستی گرفتار آمده اند؛ لیکن جنبشهای کارگری در کشورهای سرمایه داری و در دیگر کشورهای جهان دچار رکود عمیقی است و این ناشی از بحران طولانی مدت جنبش کمونیستی بین المللی است. و با تداوم این بحران از یکطرف برای تخریب کاریهای رویزیونیستها و اپورتونیستها در به گمراهی کشاندن طبقه کارگرو سایر زحمتکشان خاصاً در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم زمینه مساعد شده و از طرف دیگر سرکوب و کشتار خلقها در کشورهای شرق میانه، جنوب آسیا و شمال آفریقا توسط امپریالیسم امریکا و متحدین آن در ناتو ادامه داشته و نیروهای ارتجاعی اسلامی وحشی بنام القاعده، خلافت اسلامی و طالبان که از جانب امریکا و ناتو و دولتهای وابسته و متحد آنها در منطقه (عربستان، قطر، مصر، ترکیه و دیگران) کمک و حمایت همه جانبه شده و منجبت جاده صافکن در تطبیق نقشه های استعماری امپریالیسم امریکا و ناتو در این مناطق عمل کرده و به کشتار و وحشیانه و جنایات هولناک علیه خلقهای این مناطق ادامه میدهند. از جانب دیگر دولت ضد مردمی و جنایتکار جمهوری اسلامی ایران با تجهیز و تقویت نیروهای ارتجاعی اسلامی «شیعه» در کشورهای سوریه، عراق، یمن و لبنان در حمایت از دولتهای ضد مردمی این کشورها در کنار توطئه های جنایتکارانه امپریالیستهای امریکائی و اروپائی و صهیونیستهای استعمارگر اسرائیل به کشتار خلقهای مظلوم این کشورها مشغول بوده و هر نوع جنبش آزادیخواهانه خلقهای این کشورها را وحشیانه سرکوب می کنند. قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی خلقهای این کشورها را مورد حملات نظامی و سرکوب خونین قرار داده و از رشد و تکامل جنبشهای انقلابی پرولتری در این کشورها به شدت جلوگیری می نمایند.

راه نجات واقعی طبقه پرولتاریا و سایر زحمتکشان در همه کشورهای جهان از استثمار ظالمانه و انواع ستم امپریالیستی و ستم طبقات حاکم ارتجاعی نوکر امپریالیسم مبارزه انقلابی است، مبارزه ای که بوسیله

احزاب کمونیست انقلابی(م-ل-م) رهبری شوند، احزابی که بتوانند مبارزات طبقاتی طبقه کارگرو سایر زحمتکشان رادرسرنگونی حاکمیت طبقات سرمایه داروپیروزی انقلاب سوسیالیستی درکشورهای سرمایه داری امپریالیستی وسرنگونی سلطه امپریالیسم وحاکمیت طبقات ارتجاعی فئودال وکمپرادوروپیروزی انقلاب ملی- دموکراتیک(انقلاب دموکراتیک نوین) وتشکیل دولت دموکراتیک خلق برهبری طبقه پرولتاریا وگذاربه جامعه سوسیالیستی درکشورهای نیمه فئودالی ونیمه مستعمره ومستعمره، رهبری کنند. این یگانه راه رهائی طبقه کارگرو سایر زحمتکشان جهان است. دیگر رهراه والترناتیفی، طولانی کردن عمرنگین سرمایه داری جهانی وامپریالیسم وحاکمیت طبقات ارتجاعی وتداوم رنج وبدبختی طبقات زحمتکش درجهان خواهد بود.

- زنده باد مارکسیسم- لنینیسم- مائوئیسم!

- مستحکم باد انترناسیونالیسم پرولتری!

- پیروزباد مبارزات انقلابی پرولتاریای جهان!

- نابود باد امپریالیسم وارتجاع جهانی!

- مرگ برانواع رویونیسم واشکال اپورتونیسم این خادمان سرمایه داری جهانی!

اول می 2015

(پولاد)